



نمود استمراری در فارسی دری افغانستان

محمود فضیلت (استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)

محمدسرور مولایی (استاد زبان و ادبیات فارسی)

ام فروه موسوی (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)

چکیده: نمود، به عنوان مقوله‌ای دستوری، در هیچ‌یک از کتاب‌های دستور زبان فارسی افغانستان بحث نشده، تنها در چند دستور زبان به بیان وجه فعل، آن‌هم بسیار کوتاه، پرداخته شده است. اولین بار ناتل خانلری در دستور زبان فارسی به بحث نمود اشاره کرده است و با آنکه این کتاب از مهم‌ترین منابع کتاب‌های دستور افغانستان در دهه‌های اخیر بوده، مقوله «نمود» از توجه دستورنویسان افغانستان به دور مانده است. دستورنویسان افغانستان تفاوت و تمایزی بین نمود و زمان فعل قائل نشده‌اند. مقوله نمود در دو سطح دستوری و واژگانی بررسی می‌شود، که در این مقاله تنها نمود استمراری در زبان فارسی دری افغانستان، در دو سطح دستوری و واژگانی، بررسی می‌شود. در این جستار، ابتدا زمان استمراری در کتاب‌های دستور افغانستانی بررسی شده و سپس، با رویکردی توصیفی، به نمود استمراری پرداخته شده است. همچنین به نظر دستورنویسان در مورد زمان حال استمراری در زبان فارسی دری اشاره کرده‌ایم. در این تحقیق نشان داده شده که دلالت پیشوند «می» بر استمرار در زمان حال استمراری فارسی کابل ضعیف است و باید، در جمله، قید یا قراین دیگری باشد تا دلالت بر استمرار داشته باشد. پیشوند «می»، علاوه بر نمود استمرار، بیانگر مفاهیم نمودهای دیگر مانند ناقص، تکرار و عادت نیز می‌تواند باشد. همچنین نشان داده شده است که برخی از افعال زبان فارسی مانند افعال ایستا نمی‌توانند در صورت استمراری به کار روند. شیوه‌های بیان زمان استمراری در فارسی دری در گویش‌های افغانستان متفاوت است. این مقاله بر اساس گویش معیار فارسی کابل فراهم آمده است.

کلیدواژه‌ها: دستور زبان فارسی افغانستان، نمود فعل، نمود استمراری، نمود واژگانی، نمود دستوری.

۱ مقدمه

نخستین بار ناتل خانلری، در تاریخ زبان فارسی، مقوله «نمود» را در مبحث ساختمان فعل در زبان فارسی باستان بیان کرده است (← خانلری ۱۳۶۶). خانلری مقوله نمود را به عنوان مقوله‌ای دیگر در ساختمان فعل مطرح کرده است. با تعریف خانلری در واقع نمود را می‌توان به سه دسته آغازی، استمراری و پایانی تقسیم کرد؛ چنان‌که ابوالحسنی (۱۳۷۵) نیز همین‌گونه انجام داده است. اما خود خانلری افعال را دارای دو نمود تام و غیرتام دانسته است. نمود بیان چگونگی وقوع فعل یا وجود حالتی است، بر حسب آنکه آغاز فعل در نظر باشد یا جریان و دوام آن یا پایان قطعی آن. خانلری (۱۳۶۶: ۱/۱۹۰)، در زبان فارسی معاصر، دو شیوه بیان فعل در زمان‌های اکنون و گذشته را بیان می‌کند و افعال را دارای نمود تام یا غیرتام می‌داند که این مقوله به کلی مستقل از مقوله زمان است و دو ساخت متفاوت در صرف فعل پدید می‌آورد:

اکنون:	می‌روم.	دارم می‌روم.
گذشته:	می‌رفتم.	داشتم می‌رفتم.

جهان‌پناه تهرانی (۱۳۶۳) نیز، برای نخستین بار، «فعل‌های لحظه‌ای و تداومی» را مطرح کرده و وحیدیان کامیار (۱۳۷۱)، در مقاله‌ای، افعال را به سه دسته لحظه‌ای، تداومی و لحظه‌ای - تداومی تقسیم کرده است. این مبحث همچنین در دستور زبان فارسی ۱ (وحیدیان کامیار و عمرانی ۱۳۸۶: ۴۰) و دستور زبان فارسی ۲ (احمدی گیوی و انوری ۱۳۸۳: ۷۵) بحث شده است.

از دیگر پژوهش‌های صورت‌گرفته می‌توان از پایان‌نامه زهرا ابوالحسنی چیمه (۱۳۷۵) نمود فعل در نظام فعلی زبان فارسی نام برد، که در آن، نمود افعال به سه دسته فعل‌های آغازی، فعل‌های پایانی و فعل‌های استمراری تقسیم شده است.

شهرزاد ماهوتیان نیز افعال نمودی را با عنوان‌های نمود تام، نمود عادتی، نمود آغازی، نمود مکرر، نمود لحظه‌ای، نمود استمراری، نمود مستمر، نمود پایانی، نمود منقطع، نمود تداومی مطرح کرده است (ماهوتیان ۱۳۹۳: ۲۲۷-۲۳۱).

پژوهش‌های صورت‌گرفته، به طور کلی، با توجه به ساختار زبان فارسی معاصر ایران انجام شده و به چگونگی آن در زبان فارسی دری افغانستان پرداخته نشده است. وجود تفاوت در مبحث نمود، به‌ویژه نمود استمراری، و گوناگونی شیوه بیان استمراری در گویش‌های مختلف افغانستان و مطرح نشدن مقوله نمود در دستور زبان‌های فارسی افغانستان تحقیق و پژوهش مستقل در این زمینه، به‌ویژه «نمود استمراری» را ایجاب می‌کند.

از میان دستورنویسان افغانستانی تنها خراسانی به بحث نمود اشاره کرده (خراسانی ۱۳۹۰: ۹۵)؛ اما در این بحث به ساختمان فعل در زبان فارسی افغانستان توجهی نشده است. به نظر می‌رسد دلیل آن این بوده باشد که خراسانی کتاب خویش را بر پایه دستور زبان سید اسماعیل عمادی حائری نگاشته است و، به یک تعبیر، کتاب ایشان خلاصه‌ای از کتاب دستور زبان حائری است. به همین دلیل، از زمان‌های ماضی ملوس و مضارع مستمر، که با فعل کمکی «داشتن» ساخته می‌شود صحبت شده و، به این واقعیت اشاره نشده که چنین ساختاری در زبان فارسی افغانستان وجود ندارد. به احتمال زیاد، کاربرد این دو مقوله بیشتر در نوشتار و گفتار مهاجرانی دیده می‌شود که سال‌های بسیاری در ایران زیسته‌اند. به سخن دیگر، کاربرد این ساختار در زبان فارسی افغانستان عمومیت ندارد و آن‌قدر شایع نشده است که بتوان از آن به عنوان مقوله جدید دستوری در زبان فارسی افغانستان یاد کرد. با این حال، بحث درباره این ساختار در دستور زبان‌های دیگر هم که تحت تأثیر دستور زبان‌های فارسی ایران نگاشته شده است کم‌وبیش دیده می‌شود.

نمود مجموعه‌ای از نگرش‌های گوناگون به ظرفیت درونی فعل در انتقال مفهوم زمان است (COMRIE 1980: 3). فرشیدورد ویژگی‌های فعل را، به لحاظ دلالتش بر آغاز و دوام و پایان و کمال و نقص وقوع آن و از نظر ارتباطش با زمانی معین، «نمود» یا «حد» آن می‌داند (فرشیدورد ۱۳۹۴: ۲۴۱). وی فعل را به لحاظ نمود به پنج نوع تقسیم می‌کند: (۱) مبهم یا مطلق، (۲) ناتمام یا استمراری، (۳) کامل، (۴) نیمه‌کامل، (۵) آغازی یا آغازین؛ و همچنین نشانه‌های لفظی نمود فعل را به قرار زیر بیان می‌کند:

(۱) فعل معین «بودن» برای نمود کامل؛ مانند او خوابیده است.

۲) فعل «داشتن» در زبان محاوره برای نمود ناتمام و استمراری و فعلی که در جریان است؛ مانند او دارد غذا می خورد یا او داشت غذا می خورد (ماضی در جریان).

۳) پیشوند صرفی «می» برای نمود تام و استمراری، مانند او حالا غذا می خورد، او دیشب ساعت هشت غذا می خورد.

۴) فعل های «گرفتن» و «شروع کردن» و «آغازیدن» و «مشغول شدن» علامت نمود آغازی است؛ مانند باریدن گرفتن، شروع کرد به باریدن، مشغول شد به نوشتن.

۵) کلمات و اصطلاحات زمانی مانند دیروز، امروز، هنوز، آن زمان و ... گاهی نشانه نمود کامل اند؛ مانند هنوز نخوابیده است، حالا خوابیده است.

نمود فعل را می توان در دو سطح دستوری و واژگانی بررسی کرد. نمود دستوری با عنصری تصریفی در فعل نمایان می شود مانند «می» که نشان دهنده استمرار است. نمود واژگانی به صورت مشخصه ای معنایی در فعل وجود دارد و بر وضعیت و موقعیت فعل از لحاظ روند انجام گرفتن دلالت دارد (ابوالحسنی ۱۳۹۰). نمود را می توان به وسیله پیشوندها و پسوندها یا با ایجاد تغییرات دیگری در شکل فعل یا با استفاده از فعل های کمکی نشان داد (Richards 2002: 340).

در واقع، مبحث نمود مبحث تمایز بین زمان دستوری با زمان غیردستوری است. مطرح کردن زمان مطلق و زمان نسبی در زبان شاسی امروز نشان می دهد که ممکن است زمان دستوری فعل با زمان انجام فعل منطبق نباشد (ماهوتیان ۱۳۹۳: ۲۲۶). زمان دستوری جایگاه وقوع فعل را در یک برش سه شقی گذشته، آینده و حال مشخص می سازد. در حالی که نمود نحوه تحقق رخداد فعل در درون هریک از زمان های مذکور را بازتاب می دهد (والی رضایی ۱۳۹۱).

نمود دستوری، به وسیله عناصر تصریفی و با فعل های کمکی، به عنوان یک راهکار صوری تظاهر پیدا می کند؛ بنابراین، می توان گفت نمود دستوری یک امر صوری و نمود واژگانی مربوط به خصوصیت معنایی افعال است (همان). از نمود دستوری می توان به نمودهای استمراری، کامل، ناقص، عادتی، تکرار و...؛ و از نمود واژگانی می توان به نمودهای لحظه ای، تداومی، آغازی و پایانی اشاره کرد. در این مقاله، با رویکردی توصیفی، تنها به نمود استمراری خواهیم پرداخت.

۲ نمود استمراری

مفهوم استمراری به شیوه‌های مختلف در زبان فارسی دری بیان می‌شود. دستورهای افغانستانی تعریف روشنی از زمان استمراری به خواننده نمی‌دهد و فقط به ذکر چند فعل به عنوان نمونه بسنده می‌کند. برای ورود به بحث نمود استمراری، ابتدا مروری خواهیم داشت بر زمان استمراری در کتاب‌های دستور زبان فارسی افغانستان و سپس به بررسی نمود استمراری خواهیم پرداخت.

یمین می‌نویسد که ماضی استمراری فعلی است که در گذشته بارها و به تکرار واقع شده و حال استمراری زمانی است که انجام کار یا امری را در حال دوام بیان می‌کند. پیشوند «می» را هم برای ساخت حال ساده و هم برای حال استمراری معرفی می‌کند. او تفاوت این دو زمان را در معنای جمله و تداوم در زمان حال استمراری نسبت به زمان حال ساده می‌داند (یمین ۱۳۹۴: ۱۱۰). او در نمونه‌های زیر تفاوت این دو زمان را نشان داده است:

حال ساده (مطلق): «شب می‌خوانم». عملی است که دوام ندارد (البته اتفاق نیفتاده است تا دوام داشته باشد).

حال استمراری: «باران می‌بارد» یعنی اینکه حالا باریدن باران دوام دارد.
«نامه می‌نویسم» یعنی در حال نوشتن نامه هستم.

کاربرد پیشوند «می» نیز در هیچ‌کدام از کتاب‌های دستور ایران در زمان حال استمراری معرفی نشده است؛ فقط مشکوة‌الدینی یکی از کاربردهای زمان حال ساده را بیان رویداد عادی و استمرار می‌داند و حال ساده اخباری را صورت دیگر حال استمراری می‌داند (مشکوة‌الدینی ۱۳۹۶: ۵۶-۵۷).

دانشجویان هر روز به کتابخانه می‌روند.

حالا کارکنان به سر کار می‌روند.

آنچه به این جملات ماهیت استمراری می‌دهد قیده‌های زمان است، چنان‌که با حذف قیده‌های زمان، جملات به همان حال ساده بدل می‌شود. وحیدیان و عمرانی نیز اشاره کرده‌اند که ضعیف شدن پیشوند «می» در زمان حال بسیار آشکارتر است. در واقع، در

زمان حال، این پیشوند را تنها در جایی که قید خاصی در جمله باشد و یا قرائنی مبنی بر انجام هم‌زمان عمل و بیان جمله وجود داشته باشد می‌توان نشان استمرار دانست. همچنین اینکه یمین نیز تفاوت حال ساده و حال استمراری را در مفهوم جمله می‌داند، در واقع، به بحث نمود واژگانی مربوط می‌شود نه به نمود دستوری (برای مثال‌ها به بخش‌های ۳ و ۴ این مقاله مراجعه شود).

نگهت سعیدی دیگر دستورنویس افغانستانی نیز، هم برای حال ساده و هم برای حال استمراری، پیشوند «می» را یکسان می‌داند و انواع دیگری از شیوه‌های بیان استمراری را در فارسی دری مطرح می‌کند که بیشتر در زبان محاوره کاربرد دارد تا زبان نوشتار (نگهت سعیدی ۱۳۹۲: ۶۹). نگاهت سعیدی اولین دستورنویسی است که بین استمرار و عادت تفاوت قائل شده و از عادتت یا حال اعتیادی (که عادت همیشگی را در عملی نشان می‌دهد) نام می‌برد و پیشوند «می» را برای هر سه حال ساده، حال استمراری و حال اعتیادی یکی می‌داند؛ و این مورد را یکی از ویژگی‌های معنوی فعل حال دری معرفی می‌کند (همان: ۷۰). باید گفت سعیدی بین نمود و زمان دستوری دچار خلط شده است؛ زیرا زمان حال عادتت همان حال ساده است. همان‌طور که اشاره شد، قیدگونه‌های زمان‌اند که به این‌گونه جملات ماهیت عادتت می‌دهند نه صرفاً پیشوند «می» به‌تنهایی. مثالی که سعیدی آورده نیز همین گفته را تأیید می‌کند.

حال استمراری: ژاله می‌بارد.

حال اعتیادی: هر روز عصر ساعتی گردش می‌کنم.

ساختارهای دیگری که سعیدی برای بیان زمان استمراری نام می‌برد در گفتار کابل و همچنین در دیگر گویش‌های افغانستان رایج است، در زبان نوشتار و زبان رسانه نیز راه پیدا کرده است؛ مانند گفته راهی است؛ گفته می‌ره؛ کرده می‌رفتند. در مورد این ساخت‌ها، در بخش «شیوه‌های بیان استمراری در فارسی دری»، به طور مفصل بحث خواهد شد.

لهم در زبان فارسی دری نوشتاری به حال استمراری قائل نیست و زمان حال را تنها صورت اخباری و التزامی می‌داند؛ و البته به نمونه‌هایی از حال استمراری در گفتار قائل

است که از هیچ کدام نام نمی‌برد. وی با اینکه قائل به حال استمراری نیست، همان پیشوند «می» را برای حال استمراری، حال ساده و اعتیادی یکسان می‌داند (الهام ۱۳۹۱: ۱۲۷).

بنا بر تعریف سنا غزنوی، زمان استمراری، فعلی است که در گذشته رخ داده ولی وقوع آن تا مدتی دوام و تکرار یافته. سنا غزنوی هم به حال استمراری در زبان فارسی دری قائل نیست و زمان حال را تنها مضارع اخباری و حال ساده می‌داند (سنا غزنوی ۱۳۹۴: ۶۲).

در نتیجه در زبان نوشتاری فارسی دری، برای زمان حال استمراری، آن ساختی که در زبان فارسی تهران رایج است وجود ندارد. در مورد زمان حال استمراری، دستورنویسان افغانستانی یا به آن قائل نیستند یا آن را با نمود فعل خلط کرده‌اند. آنها همچنین بین زمان حال ساده و استمراری از نگاه دستوری تفاوت و تمایزی قائل نیستند و تنها از گذر معناست که می‌توان پی برد که جمله معنای حال استمراری می‌دهد یا معنای حال ساده که در این صورت می‌توان آن را از مقوله نمود واژگانی دانست؛ زیرا نمود واژگانی به خصوصیات معنایی فعل مربوط می‌شود.

در مورد دستورنویسانی مانند الهام و سعیدی که به استمراری اعتیادی (عادتی) قائل‌اند، باید گفت آنچه به این گونه جملات و افعال ماهیت عادتی می‌دهد قید گونه‌های زمان هستند که، با حذف قیدگونه‌ها، جملات به همان زمان حال ساده تبدیل می‌شود.

نگارنده نیز قائل به زمان حال استمراری در فارسی دری نیست؛ زیرا در فارسی دری ساختار مستقلی به لحاظ ساختمان و ماهیت برای حال استمراری وجود ندارد، اما این ساختار در زبان گفتار به چند شیوه بیان می‌شود. از آنجا که این ساختارها وارد زبان نوشتار و زبان رسانه‌ها شده است و به نظر می‌رسد کم و بیش در حال تعمیم‌پذیری باشد، ناگزیر باید به عنوان مقوله دستوری حال استمراری پذیرفته شود تا هم خلط زمان فعل و نمود صورت نگیرد و هم اینکه نیازی نباشد که با تأثیرپذیری از زبان‌های دیگر دست به ساخت مقوله‌ای جدید در دستور زبان فارسی دری بزنیم.

چنان‌که پیش از این اشاره شد، در این مقاله با رویکرد توصیفی نمود استمراری در فارسی دری معاصر، با تکیه بر گویش فارسی کابل، بررسی می‌شود. فارسی معیار در

افغانستان فارسی کابل است که به زبان نوشتار و گفتار رسمی و همچنین به زبان رسانه نزدیک است.

۳ شیوه‌های بیان استمراری در فارسی دری

مفهوم نمود استمراری در فارسی دری به شیوه‌های صوری و معنایی مختلف تظاهر می‌یابد. در این بخش، ابتدا به بررسی شیوه‌های صوری بیان استمراری، به عبارت دیگر، نمود دستوری استمراری و، پس از آن، به نمود معنایی استمراری در زبان فارسی امروز افغانستان می‌پردازیم.

۳-۱ پیشوند «می»

از پیشوند «می» در دستورهای افغانستان به عنوان پیشوند حال استمراری یاد شده است و، همان‌طور که اشاره شد، فقط سعیدی و الهام به حالت «عادتی» حال استمراری اشاره کرده‌اند. دیدگاه دستورنویسان و زبان‌شناسان ایرانی نیز در مورد پیشوند «می» متفاوت است.

فرشیدورد (۱۳۸۳) نشان داده که پیشوند «می»، از قدیم، در زبان فارسی بر استمراری و عمل در جریان دلالت کرده است؛ با این حال، در فارسی امروز معنای استمراری این پیشوند ضعیف شده و، علاوه بر استمراری، بر معانی دیگری نظیر نمود ناقص، تکرار و عادت نیز دلالت می‌کند. ماهوتیان این پیشوند را به عنوان نشانه نمود استمراری، تکراری و عادتی در نظر گرفته است (ماهوتیان ۱۳۹۳: ۲۲۸). مشکوة‌الدینی (۱۳۹۶: ۵۶)، همان‌طور که اشاره شد، پیشوند «می» را در صورتی که بیان رویداد عادتی باشد حال استمراری برمی‌شمارد. طالقانی این پیشوند را نشانه نمود دانسته و از نظر معنایی آن را بیانگر نمود عادتی و تداومی می‌داند (Taleghani 2008: 9). نمونه‌های زیر با قید زمانی که دارند، بر اساس ساختار معنایی، دارای نمود استمراری، عادتی و تکرارند.

نمود استمراری: وقتی تو رسیدی مهمان‌ها نان می‌خوردند.

نمود عادت: همیشه در سفر می‌باشم. دانشجویان هر روز یک درام نو جور می‌کنند.
نمود مکرر: هر روز به وظیفه می‌رفتم.

۲-۳ صفت مفعولی + راهی + فعل «بودن»

در این ساختار، فعل اصلی به صورت صفت مفعولی به کار می‌رود، و «راهی» (در گفتار رایج) که نشان استمرار است، و فعل «بودن» که نشانه‌های صرفی را می‌پذیرد.

جواب را داده راهی است.
بچه همسایه دروازه را زده راهی است.
مهمان‌ها نان خورده راهی استند.
درس خوانده راهی هستم.

۳-۳ صفت مفعولی + روان + فعل «بودن»

فعل اصلی به صورت صفت مفعولی به کار می‌رود، و «روان» که قید بیان حال استمرار است، و فعل «بودن» که نشانه‌های صرفی را می‌پذیرد.

درس خوانده روان است.
همینطور گفته روان است.
کار کرده روان است.

۴-۳ صفت مفعولی + رفتن

فعل اصلی به صورت صفت مفعولی به کار می‌رود، و فعل «رفتن» که نشانه‌های صرفی را می‌پذیرد.

مهمان‌ها را خوشامدگویی کرده می‌رفت.
درس خوانده می‌رود (می‌ره).
مردم هر چقدر دارا تر شوند، خسیس‌تر شده می‌روند.

در جمله زیر، در بند اول، وجه وصفی و فعل مضارع التزامی و، در بند دوم، وجه وصفی و فعل امری به کار رفته است، اما نمود فعل زمان آینده است. به عبارت دیگر، یعنی کاری

که در آینده به طور مستمر انجام خواهد شد. البته یکی از کاربردها و معانی فعل حال التزامی مفهوم آینده است (مشکوٰۃ‌الدینی ۱۳۹۶: ۵۹)؛ اما در این گونه جملات به کار رفتن وجه وصفی سبب می‌شود که ماهیت استمرار را به فعل حال التزامی بدهد.

من پیسه جمع کرده برم و تو فروخته برو.
خاطره نوشته کرده برو و باز چاپ کن.

۴ شیوه‌های بیان معنایی استمرار

نمود استمرار، علاوه بر شیوه‌های صوری که قبلاً اشاره شد، می‌تواند به صورت دیگری هم بیان شود که به لحاظ صوری، با اینکه نشانه‌های استمرار را ندارند، اما معنا و مفهوم استمرار، تکرار و تداوم را می‌رساند. در این صورت، فعل به کار رفته در این گونه جملات ممکن است نشانه دستوری و صرفی بر استمرار نداشته باشد، بلکه حضور قید یا عبارتی از نظر معنایی استمرار و تکرار را بیان کند.

۴-۱ تکرار وجه وصفی

یکی از شیوه‌های بیان استمرار و تکرار، که در زبان گفتار بسیار رایج و در فارسی دری بسیار زیاست، تکرار وجه وصفی است که با فعل‌های هر سه زمان آینده، گذشته و حال به کار می‌رود و نشان دهنده استمرار یا تکرار عملی در گذشته، حال یا آینده است. البته تکرار وجه وصفی در این گونه جملات نقش قیدی دارد، که همین تکرار قید به جمله‌های زیر ماهیت و مفهوم استمرار یا تکرار را می‌دهد.

علی کارکرده کارکرده خود را به جایی خواهد رساند.

علی کارکرده کارکرده خود را به جایی می‌رساند.

علی کارکرده کارکرده خود را به جایی رساند.

ساخت دیگری که مفهوم و معنای استمرار دارد وجه وصفی است که نقش قیدی دارد، که با اسم یا صفت و همکرد فعل «کردن» می‌آید. در این ساخت، وجه وصفی تکرار

نمی‌شود. این ساخت نیز در فارسی دری بسیار زایا و پرکاربرد است؛ مانند مثال‌های زیر:

خنده کرده (کده) آمد.

ناز کرده (کده) آمد.

گریه کرده (کده) آمد.

که می‌توان به جای هر یک، به ترتیب، خنده‌کنان/ خندان؛ نازکنان/ نازان؛ گریه‌کنان/ گریان گذاشت.

۴-۲ عبارتهایی با مفهوم استمرار

عباراتی مانند «مصرف...»، «مشغول...»، همراه صورت مصدری فعل و فعل ربطی «بودن»، مفهوم استمرار در جمله را می‌رساند. دبیرمقدم (۱۳۷۶) و فرشیدورد (۱۳۸۳: ۸۷) نیز عنوان کرده‌اند که این عبارت همراه صورت مصدری فعل و فعل ربطی «بودن» جمله‌هایی با مفهوم استمرارند. در فارسی افغانستان، علاوه بر عبارت‌های نام‌برده‌شده، عبارت «مصرف...» و صورت مصدری فعل به کار می‌رود.

مصرف کار کردن استم.

مصرف نوشته کردن استیم.

۵ افعال فاقد نمود استمراری

افعال ایستا به فعل‌هایی گفته می‌شود که بیانگر کنش خاصی نیستند، یعنی غیرپویا و از نظر زمانی نامحدودند (PAVEY 2010) و چون دارای مراحل انجام کار نیستند، معمولاً قابلیت استمرارپذیری ندارند. همچنین افعال ایستا نمود پایانی هم ندارند، یعنی اینکه زمان به پایان رسیدن کار اهمیت ندارد (والی رضایی ۱۳۹۱). فعل‌هایی را که بیشتر بیانگر دوست داشتن، عقیده داشتن، دانستن، خواستن، بودن، و همچنین احساسات درونی، عواطف و شرایط و ویژگی‌هایی که در مورد حالات روان‌شناختی و مالکیت‌اند می‌توان از افعال ایستا شمرد. در میان جمله‌های زیر، در جمله‌های «الف»، فعل «خواندن» فعلی است کنشی و می‌توان این سؤال را پرسید که «او چه کار می‌کند؟» یا «او در حال چه کاری است؟»، که می‌توان با

یکی از جملات الف به آن پاسخ داد؛ اما در مورد جمله‌های دوم «ب» و «ج» فعل «خوش داشتن» (= دوست داشتن) و همچنین عبارت «دلم می‌شود (می‌شه)» (= دلم می‌خواهد) از نوع افعال ایستا است، که نمی‌توان این سؤال را پرسید؛ زیرا قابلیت استمرار ندارند.

(الف)

او در حال کتاب خواندن است.

من کتاب خوانده راهی هستم.

من کتاب خوانده رفته‌ام.

(ب)

* او در حال خوش داشتن است.^۱

* من او را خوش داشته‌ام.

(ج)

دلم می‌شه که موتر (= ماشین) بخرم.

* دلم شده راهی است که موتر بخرم.

۶ نتیجه

مقوله نمود به دو بخش واژگانی و دستوری تقسیم می‌شود. در این جستار، ابتدا به تفاوت نمود فعل با زمان فعل و همچنین تفاوت نمود واژگانی و دستوری پرداخته شد. آنگاه فقط نمود استمراری در زبان فارسی کابل مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که در زبان فارسی دری نمود استمراری به دو صورت دستوری و معنایی به کار می‌رود.

در شیوه بیان صوری یا دستوری، به پیشوند «می» و ساختارهایی مانند «کرده رفتند»، «گفته راهی است» اشاره و نشان داده شد که پیشوند «می» به تنهایی نمی‌تواند بر نمود استمراری دلالت کند؛ و با توجه به بافت و مفهوم جمله و همچنین قیدگونه‌های زمان و قرائنی از این‌گونه، که به جمله ماهیت استمرار یا تکرار می‌دهد، می‌توان به آن پی برد. البته پیشوند «می»، در زمان گذشته، به استمرار در گذشته دلالت می‌کند. همچنین به برخی از

۱. جملات ستاره‌دار غیردستوری هستند.

افعال که نمی‌توانند به صورت استمراری به کار روند اشاره کردیم، که مهم‌ترین این فعل‌ها افعال ایستا هستند. در این مقاله، پس از بررسی زمان حال استمراری در کتاب‌های دستور افغانستان، نشان داده شد که در زبان فارسی دری، ساختار «مضارع ملموس» و «ماضی ملموس» که در فارسی تهران رایج است، وجود ندارد. همچنین بیان شد که برخی از دستورنویسان به زمان حال استمراری در فارسی دری قائل نبوده‌اند و برخی دیگر نیز نقش «می» را برای بیان زمان حال استمراری و حال ساده یکسان می‌دانند و تفاوت را در تداوم و معنا و مفهوم جمله ذکر می‌کنند، که در این صورت، این مورد در مبحث نمود واژگانی باید بررسی شود.

در این پژوهش، شیوه‌های بیان معنایی یا واژگانی استمرار نیز بررسی شد. تکرار وجه وصفی که نقش قیدی دارد و همین قید معنای استمرار کاری در گذشته، آینده و حال را به جمله می‌دهد. وجود عبارت‌هایی مانند «مصرف...»، «مشغول...»، به همراه صورت مصدری فعل و فعل ربطی «بودن»، جملاتی با معنا و مفهوم استمرار را تولید می‌کند. با توجه به طبیعت زبان فارسی، افعالی وجود دارند که قابلیت استمرار را ندارند، مانند افعال ایستا؛ زیرا این‌گونه افعال بیانگر کنش خاصی نیستند و دارای مراحل انجام کار، مانند دیگر افعال، نیستند.

منابع

ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۷۵)، نمود فعل در نظام فعلی زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۸۳)، «افعال نمودی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

_____ (۱۳۹۰)، «انواع نمود واژگانی در افعال فارسی»، ادب فارسی، شماره ۶، تابستان، ص ۱۰۱-۱۲۰.

احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۸۳)، دستور زبان فارسی ۲، تهران: انتشارات فاطمی.

الهام، محمدرحیم (۱۳۹۱)، روشی جدید در تحقیق دستور زبان دری، چاپ دوم، کابل: یوسف‌زاد.

جهان‌پناه تهرانی، سیمین دخت (۱۳۶۳)، «فعل‌های لحظه‌ای و تداومی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱، ش ۲،

- پاییز و زمستان، ص ۱۰۳-۱۶۴.
- خانلری، پرویز (۱۳۶۶)، تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر نو.
- خراسانی، محمدهارون (۱۳۹۰)، دستور زبان دری، کابل: عابد و محمد رفیق.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶)، «فعل مرکب در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، ش ۲۳-۲۴، ص ۲-۴۶.
- رضایی، والی (۱۳۹۱)، «نمود استمراری در فارسی معاصر»، فنون ادبی (دانشگاه اصفهان)، سال چهارم، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۷۹-۹۲.
- سنا غزنوی، محمداکبر (۱۳۹۴)، دستور زبان دری، کابل: انتشارات اندیشه.
- شفائی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: نوین.
- عمادی حائری، سید اسماعیل (۱۳۷۱)، دستور زبان عماد، قم: محدث.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۳)، فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی، تهران: سروش.
- _____ (۱۳۹۴)، دستور مختصر امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، تهران: سخن.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۹۳)، دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمائی، چاپ هفتم، تهران: نشر مرکز.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۹۶)، دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، تهران: سمت.
- منصوری کوهستانی، محمد ادريس (۱۳۶۵)، نحو زبان دری، کابل: بخش فرهنگی شورای نظارت.
- نگهت سعیدی، محمدنسیم (۱۳۹۲)، دستور معاصر زبان دری، چاپ دوم، کابل: امیری.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۱)، «فعل‌های لحظه‌ای، تداومی، لحظه‌ای - تداومی»، مجله زبان‌شناسی، س ۹، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۷۰-۷۵.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی ۱، تهران: سمت.
- یمین، محمدحسین (۱۳۹۴)، دستور معاصر زبان پارسی دری، چاپ هفدهم، کابل.
- COMRIE, Bernard (1980), *Aspect*, Cambridge: Cambridge University Press.
- PAVEY, Emma (2010), *The Structure of Language*, Cambridge: Cambridge University Press.
- RICHARDS, Jack C. (2002), *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied Linguistics*, London: Longman.
- TELEGHANI, A. H. (2008), *Modality, Aspect and Negation in Persian*, Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins.